

امکان سنجی گستراندن قاعده تسامح در ادله سنن به روایات فضائل و مصائب اهل بیت علیهم السلام

_____ سید علی دلبری^۱ - غلامرضا رضوی دوست^۲ - البرز محقق گرفمی^۳ _____

چکیده

یکی از راهکارهای بهره بردن از اخبار ضعیف اصطلاحی، به کارگیری قاعده‌ای است که به «تسامح در ادله سنن» نام بردار شده است. از آنجاکه درباره شمول دامنه این قاعده به اخبار ضعیف در بردارنده موضوعاتی چون فتوای مجتهد، فضائل سُور و فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام، رویکرد یکسانی در میان اندیشوران شیعی وجود ندارد، بررسی جواز بهره‌گیری از این قاعده در موارد پیش گفته و واکاوی ادله آن بایسته می‌نماید. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای در پی امکان سنجی جواز گستراندن قاعده تسامح به اخبار ضعیف در بردارنده فضائل، مناقب یا مصائب اهل بیت علیهم السلام است. برای دستیابی به این هدف، در گام نخست، دلایلی که این شمول را قابل قبول می‌سازد، به شکل زیر تبیین شده است: عموم آیه تعاون، اطلاق اخبار من بلغ، عموم روایات فضائل گریاندن، حکم عقل بر نیکو بودن نقل فضائل و سیره اصحاب امامیه

۱. سید علی دلبری، دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول).
delbari@razavi.ac.ir
۲. غلامرضا رضوی دوست، دانشجوی دکتری دانشگاه علوم اسلامی رضوی و مربی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان.
r.razavi@theo.usb.ac.ir.com
۳. البرز محقق گرفمی، کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
mohaghegh.gr@gmail.com

بر نقل این اخبار. بنابر تحلیل‌های پژوهش حاضر، همهٔ ادلهٔ یادشده به ناراستی‌هایی دچار هستند. در دومین گام، نظریهٔ برگزیده براساس معتبر بودن طرق دست‌یافتن به حدیث، کذب مُخبر و قول به غیرعلم سامان یافته است. دستاورد پژوهش نیز این است که با بهره‌گیری از قاعدهٔ تسامح نمی‌توان راهکاری مناسب برای بهره‌برداری از اخبار ضعیف شامل فضائل و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام بنیان نهاد.

کلیدواژه‌ها: تسامح در ادلهٔ سنن، فضائل اهل بیت علیهم‌السلام، اخبار ضعیف، کذب خبری، کذب مُخبر.

۱. مقدمه

قاعدهٔ تسامح در ادلهٔ سنن به معنای پذیرش روایات ضعیف دربارهٔ «سنن و آداب» و از جمله مباحث فرعی خبرواحد است؛ اگرچه اخبار ضعیف مشمول ادلهٔ خبرواحد نیست. از سوی دیگر، روایات فضائل و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام در نزد دانشمندان اسلامی جایگاهی رفیع داشته و از مباحث مبتلابه و مهم است؛ چراکه با شناخت و حب اهل بیت علیهم‌السلام، که در روایات اساس اسلام معرفی شده، ارتباط مستقیم دارد؛ چنان‌که در روایتی از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (برقی، ۱۳۷۱: ۱/ ۲۸۶). در کتاب‌های فریقین، روایت‌های صحیح فراوانی در این باره نقل شده است؛ اما گاه روایتی که از نظر سند ضعیف است نیز دیده می‌شود. از آنجاکه نظریهٔ مورد اتفاق بیشتر متأخران بر مبنای وثاقت مخبری، عدم حجیت حدیث ضعیف به علت فقدان شروط حجیت خبرواحد در آن است (برای نمونه بنگرید به: خویی، ۱۴۲۲: ۱۱/ ۲۷۹-۲۸۰) و از سوی دیگر، واقعیت مشهود در سیرهٔ علما از آن حکایت دارد که بسیاری از احادیث ضعیف براساس تنویع حدیث (صحیح، مؤثق، حسن و ضعیف) دربارهٔ روایات فضائل و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام مورد استناد و عمل قرار گرفته (بهبهانی، ۱۴۱۵: ۴۸۷-۴۹۱)، تأملاتی وارد است. توضیح مطلب اینکه یا راویان ثقه بوده‌اند و ثقه بودنشان به ما نرسیده، یا در شرایط حدیث ضعیف در این باره باید بازنگری شود و یا اینکه خبر ضعیف در این موارد از نظر حصول وثوق و اطمینان شخصی،

حجّت است؛ چنان که آیت الله خویی می گوید: «نعم، الخبر الموجب للوثوق والاطمئنان الشّخصی يجب العمل به وإن كان ضعيفاً فی نفسه، وليس ذلك لأجل حجّية الخبر الضعيف، بل لأنّ الاطمئنان المعبر عنه بالعلم العادی حجّة وإن كان حاصلًا ممّا لا يكون حجّة فی نفسه كخبر الفاسق أو خبر الصبيّ مثلاً» (خویی، ۱۴۲۲: ۱/۲۳۴) ویا اینکه در روایات فضائل و مصائب اهل بیت علیهم السلام، همانند روایات احکام مستحبات و مکروهات، وثاقت و یا عدالت راوی شرط پذیرش روایت نیست. برگشت این مطلب به قاعده تسامح در ادلّه سنن است که با تعابیر گوناگونی از آن یاد شده است. شهید ثانی در اشاره به این رویکرد می نویسد: «جوّز الأكثر العمل بالخبر الضعيف فی نحو القصاص و المواعظ و فضائل الأعمال، لا فی صفات الله تعالى و أحكام الحلال و الحرام» (شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۹۴).

در این پژوهش، به گستره شمول قاعده تسامح در ادلّه سنن در روایات فضائل و مصائب اهل بیت علیهم السلام پرداخته می شود. اکنون این سؤال مطرح می شود که آیا گستره شمول قاعده تسامح در ادلّه سنن مخصوص باب سنن و مستحبات است یا شامل دیگر روایات، مانند روایات فضائل و مصائب اهل بیت علیهم السلام نیز می شود؟ فرض این است که «قاعده یاد شده روایات فضائل و مصائب اهل بیت علیهم السلام را در بر نمی گیرد و با تسری آن به احادیث فضائل و مصائب، پیامدها و آسیب های فراوانی به وجود می آید.

۲. پیشینه پژوهش

به کارگیری قاعده تسامح در ادلّه سنن به قرن دوم و به عبارات اهل سنت برمی گردد (حاکم نیشابوری، ۱۹۹۰: ۱/۶۶۶)؛ چراکه در جوامع روایی اهل سنت روایت هایی در معنای «اخبار من بلغ» وجود دارد (متقی هندی، ۱۴۰۱: ۱۵/۷۹۱) که سبب پدید آمدن باور به قاعده تسامح در ادلّه سنن در میان فقیهان شده است.

شهید اول نخستین دانشمند شیعی است که به نقل از عالمان اهل سنت در کتاب ذکری الشیعه درباره عمل به اخبار ضعیف در مورد فضائل، سخن گفته است (شهید اول،

۱۴۱۹: ۲/ ۳۴). اصولیان از این قاعده ذیل مباحث حجیت اخبار آحاد یا تنبیهات احتیاط سخن گفته‌اند (برای نمونه بنگرید به: طباطبایی‌المجاهد، ۱۲۹۶: ۳۴۶). فقیهان دیگری نیز در جای جای استنباطات فقهی خود از این قاعده بهره برده‌اند (برای نمونه بنگرید به: شهید ثانی، ۱۳۸۰: ۲/ ۱۲۷۷).

مهم‌ترین پژوهش‌هایی که تا اندازه‌ای به موضوع پژوهش حاضر شباهت دارند؛ عبارت‌اند از:

- مقالهٔ «واکاوی عوامل رویکرد به "قاعدهٔ تسامح" در ادلهٔ سنن» (۱۳۹۷) از اکرم جعفری و دیگران. نویسندگان مقالهٔ یادشده به عواملی همچون تأثیرگذاری «احادیث من بلغ»، الگوبرداری شیعه از اهل سنت دربارهٔ عدم سخت‌گیری سندی در برخی روایات و نیز ظهور جریان‌ات حدیثی در رویکرد به قاعدهٔ تسامح در ادلهٔ سنن پرداخته‌اند.

- مقالهٔ «تسامح فضائل‌نگاران در روایات فضائل اهل بیت» (۱۳۹۳) به قلم محمدکاظم رحمان ستایش و سید حیدر طباطبایی حکیم در پی اعتبارسنجی ادعای دلیل‌قرار گرفتن قاعدهٔ تسامح در ادلهٔ سنن برای بی‌توجهی به پالایش احادیث است. نویسندگان مقالهٔ یادشده تنها به اجمال به برخی از ادلهٔ موافقان و مخالفان تسامح قاعدهٔ تسامح به اخبار فضائل، پرداخته و از پرداختن به همهٔ دلایل هر دو دیدگاه و نیز دادن پاسخ‌های کافی به آن صرف نظر کرده‌اند.

با وجود کوشش‌های علمی، نوشتاری که به شکل مستقل، موضوع اعتبار گستراندن قاعدهٔ تسامح به روایات فضائل و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام را کاویده باشد، پیدا نمی‌شود. افزون بر این، نکتهٔ دیگری که پژوهش حاضر را از موارد همانند آن متمایز می‌سازد، این است که پژوهش در پی داوری دربارهٔ پذیرش یا عدم پذیرش کارکرد قاعدهٔ تسامح در روایات فضائل و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام است.

۳. مفهوم‌شناسی

بایسته است که برخی مفاهیم پربسامد در پژوهش از نظر لغوی و اصطلاحی تبیین شود:

الف) قاعدهٔ تسامح در ادلهٔ سنن

دانشوران مسلمان با بهره‌گیری از دلایلی چون دسته‌ای از اخبار، اجماع، شهرت، نیکو بودن احتیاط و حکم عقل، قاعده‌ای را بنیان گذاشته‌اند که به «تسامح در ادلهٔ سنن» مشهور است. مقصود از سنت در این عبارت، براساس مبنای باورمندان به گسترهٔ این قاعده روشن خواهد شد. اگر این قاعده به اخبار دال بر بیان اعمال مستحب منحصر دانسته شود، سنت در مقابل واجب و به معنای عمل مندوب است؛ اما اگر دامنهٔ قاعده بر هر خبر غیرالزامی مانند مکروهات یا هر موضوع دیگری مانند: اخبار عامه، فضائل سُور، قصص، مواعظ و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام گسترده شود، سنت در قاعدهٔ یادشده با مفهوم سبک رفتاری متناسب است. در میان دلایل پیش‌گفته، مجموعه‌ای از احادیث با عنوان «اخبار من بلغ» نقش پررنگ‌تری در اثبات قاعده دارند. مهم‌ترین این احادیث به شرح ذیل هستند:

- «احمد بن عبد الله البرقی عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ فَعَمِلَهُ كَانَ أَجْرُ ذَلِكَ لَهُ وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَمْ يَقُلْهُ» (برقی، ۱۳۷۱: ۱ / ۲۵).

- «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ، فَصَنَعَهُ، كَانَ لَهُ أَجْرُهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳ / ۲۲۵).

- «أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ شَيْءٌ فِيهِ الثَّوَابُ فَفَعَلَ ذَلِكَ طَلَبَ قَوْلَ النَّبِيِّ كَانَ لَهُ ذَلِكَ الثَّوَابُ وَإِنْ كَانَ النَّبِيُّ لَمْ يَقُلْهُ» (برقی، ۱۳۷۱: ۱ / ۲۵).

برخی از علما خانوادهٔ این اخبار را متواتر معنوی یا حدّ اقل مستفیض دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۸ / ۳۱۳؛ قمی، ۱۳۷۸: ۴۸۴). بنابراین برداشت رایج، مفاد این اخبار بر حجیت خبر واحد ضعیف در حوزهٔ غیرالزامیات رهنمون است. به دیگر سخن، این اخبار ادلهٔ حجیت خبر واحد را تخصیص زده و بررسی شرایط معتبر برای پذیرش آن؛ یعنی:

ایمان، عدالت و ضبط راوی را در اخبار دربردارندهٔ احکام غیرالزامی ضروری نمی‌داند (ابن بابویه، ۱۴۰۶: مقدمهٔ محقق ۲۶؛ نایینی، ۱۳۵۲: ۲ / ۲۰۸). در برداشتی دیگر، مفاد «اخبار من بلغ» بیانگر استحباب اولی یا ثانوی اخبار حاوی احکام غیرالزامی دانسته شده است (آخوند خراسانی، ۱۳۹۳: ۲ / ۲۳۶؛ عراقی نجفی، بی‌تا: ۷۳). به عبارت دیگر، دست‌یافتن به حدیث ضعیفی که دربردارندهٔ ترتب ثواب بر عملی است، جواز عمل به آن عمل را فراهم کرده و سبب بهره‌مندی کنشگران از ثواب موعود می‌شود؛ اگرچه آن خبر مطابق با واقع نبوده و از معصوم علیه‌السلام صادر نشده باشد. برخی نیز این اخبار را ارشاد به حکم عقل برانقیاد یا نیکو بودن احتیاط دانسته‌اند (میرداماد، ۱۳۱۱: ۱۲۱؛ صدر، ۱۴۱۷: ۵ / ۱۲۶).

در رویکردی دیگر، اساساً این اخبار بیانگر تضمین آسوده خاطر بودن مؤمنان نسبت به مجموعهٔ اخبار معتبری است که در آن‌ها احتمال عدم مطابقت با واقع متصور است (سبحانی، ۱۴۱۵: ۳۴؛ کلانتری، ۱۳۸۹: ۱۴)؛ از این نظر، قاعده قاعده‌ای کلامی خواهد بود. فقیهانی که به رویکردهای پیشین باور دارند، از این قاعده در ابواب گوناگون فقهی بهره‌جسته و بر استحباب یا کراهت برخی اعمال مندرج در اخبار ضعیف فتوا داده‌اند (ابن طاووس، ۱۴۳۰: ۱۵۸؛ بحرانی، ۱۳۶۳: ۴ / ۴۰۶؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۲ / ۵۷). با این همه، عده‌ای با جعلی دانستن اخبار من بلغ بر این باورند که پاره‌ای از اعمال عبادی دربردارندهٔ ثواب‌های گزاف باید در راستای ورود جریان وضع و جعل به تراش روایی، ارزیابی شوند (بهبودی، ۱۹۸۱: مقدمهٔ مؤلف ح - ط؛ بیضانی، ۱۳۸۵: ۳۸ - ۳۹).

ب) فضائل و مصائب

فضائل، جمع فضیله و از مادهٔ «فضل» است و به معنای معروف (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷ / ۴۳)، زیاده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۹؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۹ / ۱۷۵)، حُسن (ابن درید، ۱۹۹۸: ۲ / ۹۰۷) و مفهوم مخالف با نقص (جوهری، ۱۳۷۶: ۵ / ۱۷۹۱) به کار می‌رود. قدر جامع همهٔ این معانی را در برجستگی و بلندای نیکو بودن چیزی می‌توان دانست؛ بر این

اساس، فضیلت به معنای درجه‌ای سترگ از فضل است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷ / ۴۳؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۲ / ۲۹).

واژه مصائب نیز جمع مصیبت و در اصل به شکل مُصَوِّبَه بوده و ریشه آن از «صَوَّبَ» است (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۲ / ۱۷۷). برخی شکل پیش از اعلال مصائب را «مصاوب» دانسته‌اند (جوهری، ۱۳۷۶: ۱ / ۱۶۵). ریشه صوب در معانی رسیدن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۹۵)؛ دریافتن (فیومی، ۱۴۱۴: ۳۵) و نیز نزول چیزی و قرار گرفتن آن در مکان مناسب (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۶ / ۳۵۳) به کار رفته است. براین اساس، واژه مصیبت برای امور ناگوار حادث شده برای آدمی (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۵۳۶) و سختی واردآمده بر انسان (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۶ / ۳۵۴) به کار می‌رود. برخی نیز آن را به معنای تیراندازی دانسته‌اند که به مناسبت گوهر معنایش در سختی‌ها کاربرد یافته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۹۵). منظور از مصائب اهل بیت علیهم‌السلام در پژوهش حاضر رنج‌ها و مشکلاتی است که دشمنان و حق‌ناگزاران بر ایشان روا داشته‌اند.

۴. بررسی دیدگاه‌ها درباره شمول قاعده تسامح بر روایات فضائل و مصائب

در این بخش، ادله دو دیدگاه رودرروی هم درباره پذیرفتن یا نپذیرفتن بهره‌گیری از اخبار ضعیف در بردارنده روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام با استفاده از قاعده تسامح در ادله سنن، تبیین و بررسی می‌شود:

۴-۱. روا بودن گستراندن قاعده تسامح به روایات فضائل و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام

شماری از دانشوران شیعی بهره‌گیری از اخبار ضعیف در بردارنده فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را در گستره دامنه تسامح مجاز می‌شمارند. براساس ظاهر عبارتی از شهید اول، بهره‌گیری از قاعده تسامح درباره روایات پیش‌گفته مجاز است. در عبارت یادشده چنین آمده است: «أحادیث الفضائل یتسامح فیها عند أهل العلم» (شهید اول، ۱۴۱۹: ۲ / ۳۴). از آنجاکه به نظر می‌رسد شهید اول این عبارت را از عامه نقل کرده، نمی‌توان پذیرفت که مراد از عبارت «احادیث الفضائل» روایات در بردارنده نیکویی‌های اهل بیت علیهم‌السلام باشد؛

بلکه مراد روایاتی است که از فضیلت‌های اعمال و نیز فضائل سوره‌ها سخن می‌گویند. با این حال، شهید ثانی در عبارتی آشکارتر چنین می‌نویسد: «اخبار من بلغ شامل قصص و گزارش‌های تاریخی، مواعظ و اندرزها و فضائل اعمال می‌گردد؛ مشروط به آنکه آثار کذب و ساختگی بودن در آن‌ها نباشد» (شهید ثانی ۱۴۰۸: ۹۴). مرحوم سید محمد سعید حکیم بر این باور است که مراد شهید ثانی از این عبارت، تسامح در نقل گزاره‌ها بدون انتساب آن‌ها به سنت است (حکیم، ۱۳۹۲: ۴ / ۱۶۰). شیخ اعظم انصاری نیز با استناد به همین سخن، عمل کردن به هرچیزی را برحسب حالت متناسب با آن دانسته و عمل به روایات فضائل و مصائب معصومان علیهم‌السلام را به معنای نقل آن‌ها برای گریاندن مردم می‌داند (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۵۸).

افزون بر وجود این عبارات کلی و اجمالی، مواردی در نوشته‌های دانشوران شیعی می‌توان یافت که برای اثبات این ادعا به دلایلی نیز استناد شده است. در ادامه به تبیین و بررسی این دلایل پرداخته می‌شود:

۴-۱-۱. عموم آیهٔ تعاون

تمسک به عموم آیهٔ «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده / ۲) توسط برخی از دانشوران برای اثبات این دیدگاه مطرح شده است (طباطبایی، ۱۲۹۶: ۳۵۰؛ انصاری، ۱۴۱۴: ۱۵۸). به این بیان که واژهٔ «البرّ» برگستره‌ای فراگیر از نیکوکاری‌هایی رهنمون است که یکی از موارد آن نقل فضائل و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام است؛ چراکه نقل فضائل و مصائب ایشان موجب تقویت عقاید و توجه بیشتر مردم به آنان است و چنین عملی از مصادیق همکاری کردن در برّ و تقواست که ثواب در پی دارد (نراقی، ۱۳۷۵: ۷۹۴).

نقد و بررسی

باید گفت که عموم آیهٔ تعاون در گسترهٔ موضوعاتی قابل استناد است که نیک بودن آن‌ها به اثبات رسیده و مصداقی از مفهوم «برّ» قرار بگیرند؛ حال آنکه نقل فضائل و

مصائبی که از طریق اخبار ضعیف به دست آمده، به گونه اطمینان بخشی، مصداقی از مفهوم عام «بَرّ» نیست. از این رو، برخی بزرگان، در مقام نقد عموم بر این باورند که تعاون در کار نیک و نیز گریاندن مردم در مجلس عزای امام حسین علیه السلام به اجماع عالمان شیعه باید از راه مباح و مشروع باشد، تا به واسطه آن استحباب درست شود و تحت عنوان تعاون بر برّ و گریاندن قرار گیرد (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۵۸). بدین سان، این مدّعا که چنین کاری تعاون و کمک به نیکی است، مباح بودن آن را ثابت نمی‌کند؛ بلکه اگر تعاون و گریاندن به وسیله اسباب ناروا و اخبار دروغ باشد، نه تنها نیکی نیست که گناه است و هدف صحیح وسیله را توجیه نمی‌کند (برای نمونه بنگرید به: حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۹ / ۴۶۷).

افزون بر این اگر تعاون بتواند موجب اباحه شود، این دلیل همچنین باید بتواند حرمت استفاده از غنا در سوگواری‌ها و لهو و لعب در عروسی‌ها را نیز بردارد؛ حال آنکه چنین نیست (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۵۹). به دیگر سخن، اگر دلیل تعاون بر برّ و تقوا شامل اسباب حرام نیز بشود، میان این ادلّه با ادلّه محرّمات تعارض به نحو عامین من وجه واقع می‌شود. بنابراین، روشن است که ادلّه تعاون بر برّ اطلاق ندارد و شامل اسباب حرام نمی‌شود؛ ولی می‌توان گفت که عموم و شمول آیه تعاون و ادلّه رجحان ابکا بر اهل بیت علیهم السلام تخصصاً شامل سبب حرام نمی‌شود (سبحانی، ۱۴۱۵: ۱۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۳ / ۵)؛ نه اینکه شامل است؛ ولی اجماع آن را تخصیص می‌زند.

۴-۱-۲. اطلاق اخبار من بلغ

اطلاق «اخبار من بلغ» در ظاهر بر تسری قاعده تسامح به اخبار ضعیف دلالت‌کننده بر فضائل اهل بیت علیهم السلام رهنمون است و مانعی بر این اطلاق وجود ندارد (سبحانی، ۱۴۱۵: ۸۲؛ مظاهری، ۱۳۹۷: ۱ / ۱۶۷). همچنین از ظاهر اطلاق «اخبار من بلغ» چنین برمی‌آید که اخبار از فضائل و مصائب اهل بیت علیهم السلام برای برانگیختن شنوندگان بر عمل، بر حسب محتوای آن‌هاست و البته این محتوا نیز بیانگر عملی مندوب است. توضیح مطلب اینکه وقتی کسی منقبت یا مصیبتی ذکر می‌کند به مدلول مطابقی از موضوع خارجی حکایت

می‌کند؛ ولی به دلالت التزامی ثوابی را ذکر می‌کند و آن اینکه مستحب است که آن را برای دیگران نقل کنید؛ چراکه برای این کار دلیل وجود دارد؛ برای نمونه وقتی کسی خبر می‌دهد که امام رضا علیه السلام در یک شب هزار رکعت نماز خوانده‌اند، به دلالت التزامی بر آن است که نقل این خبر مستحب است؛ حتی اگر سند آن ضعیف باشد و وقتی به دلالت التزامی مستحب بودن نقل این خبر ثابت شد، به دلالت التزامی دوم، ثواب نیز برای آن ثابت شده و در نتیجه مناقب مشمول اخبار من بلغ می‌شود.

برخی بر این باورند که اگر مفاد «اخبار من بلغ»، حجیت اخبار ضعیف بیانگر احکام غیرالزامی دانسته شود، می‌توان قاعدهٔ تسامح در ادلهٔ سنن را در روایات فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام جاری دانست (اصفهانی، ۱۴۲۹: ۴ / ۱۹۳).

نقد و بررسی

بهره‌گیری از اطلاق «اخبار من بلغ» در بیان فضائل زمانی رواست که این شمول در دو حوزهٔ احکام و موضوعات نیز روا دانسته شود؛ حال آنکه برای شبهات موضوعی چنین اطلاقی تمام نیست و این اخبار تنها ناظر به مستحبات کلی و شبهات حکمیه است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰: ۹ / ۴۷). از سوی دیگر، «اخبار من بلغ» جواز «اسناد ما لایعلم» را به شارع، حتی در احکام کلی دربارهٔ خبر ضعیف، نداده است و نمی‌توان استحباب اولی را به شارع اسناد داد؛ چراکه این عمل، کذب و حرام است و لذا چگونه می‌توان از آن جواز اسناد مناقب مشکوک و نقل آن را که حرام است، از این اخبار در این مورد استفاده کرد؟! این نه تنها احتیاط نیست که حرام قطعی و خارج از مفاد «اخبار من بلغ» است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰: ۹ / ۴۷).

همچنین باور به حجیت مجموعهٔ اخبار ضعیف در بردارندهٔ فضائل اعمال با روایات فراوانی که قطع به وضع و جعل آن‌ها وجود دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۶۲؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱ / ۲۵۵)، ناسازگار است. افزون بر این، با ادلهٔ حجیت خبر واحد به ویژه منطوق آیهٔ نبأ (حجرات / ۶) نیز مخالف است؛ چراکه براساس منطوق این آیه پذیرش خبر شخص

فاسق بدون تبیین نارواست و نیز به علت عمومیت واژه خبر در آیه یاد شده نمی‌توان آن را به اخبار دربردارنده الزامیات منحصر دانست. بدین سان، هیچ وجهی برای تخصیص این آیه به «اخبار من بلغ» وجود ندارد. به دیگر سخن، استظهار افاده حجیت اخبار ضعیف از «اخبار من بلغ» نارواست.

۳-۱-۴. عموم روایات فضیلت گریاندن

از دیگر دلایل این دیدگاه تمسک به عموم روایات فضیلت گریاندن بر سیدالشهدا علیهم‌السلام است؛ مانند خبری که صالح بن عقبه از امام صادق علیه‌السلام گزارش کرده است: «هرکس در مرثیه حسین علیه‌السلام یک بیت شعر بخواند و بگیرد و ده نفر را بگریاند، پس سزای او و آن‌ها (که گریه کردند) بهشت است و هرکس در رثای حسین علیه‌السلام بیستی بخواند و نه نفر را بگریاند، پاداش او و آن‌ها بهشت است. پس بر همین منوال ادامه داد تا اینکه فرمود: هرکس در مرثیه حسین شعر بخواند و بگیرد و گمان می‌کنم که فرمود: یا اینکه خود را گریان نشان دهد (تباکی کند)، پس بهشت برای اوست» (ابن بابویه، ۱۳۸۱: ۲۲۸؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۵؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۵۴۰).

نقد و بررسی

باید گفت اگرچه در پسنندیده بودن گریستن بر مصائب اهل بیت علیهم‌السلام یا ذکر فضائل ایشان شکی وجود ندارد، بحث اینجاست که مصادیق این فضائل و مصائب چه مواردی هستند. به دیگر سخن، صغرای مطلب ثابت نشده است؛ این وقوع مصیبت یک موضوع خارجی است که مشهور اصولیان موضوعات را با خبر صحیح‌السنند ثابت شده نمی‌دانند تا چه رسد به اثبات آن با خبر ضعیف (بجنوردی، ۱۳۷۷: ۳ / ۳۴۰). برخی به درستی بر این باورند که حکم به استحباب نقل کردن هر خبر دلالت‌کننده بر فضائل یا مصائب اهل بیت علیهم‌السلام از گونه تمسک به عام در شبهه مصداقیه بوده و ناروا می‌نماید (فلسفی، ۱۴۴۳: ۳ / ۳۰۹).

همچنین ادله دال بر مطلوب بودن بکا بر اهل بیت علیهم‌السلام مختص به مواردی است که

سبب مباحی در آن‌ها وجود داشته باشد و در صورت تزامم این نقل با حرمت نقل به غیرعلم، جایی برای جریان این ادلهٔ نخواهد بود (حکیم، ۱۳۹۲: ۴/۱۶۱). کسانی نیز معتقدند که نقل فضائل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام از اخبار ضعیف از طریق قاعدهٔ تسامح مستحب نیست؛ چراکه این امر از قبیل تمسک به عام در شبههٔ مصداقی بوده و غیرجایز است (فلسفی، ۱۴۴۳: ۳/۳۰۹). از سوی دیگر، «احادیث من بلغ» شامل موضوعات نیست (همان). برخی دیگر از مخالفانِ تسری قاعدهٔ تسامح به «اخبار من بلغ» بر این باورند که عبارت «فعمل به» انصراف به عمل خارجی دارد که دربارهٔ مواعظ و قصص چنین عملی وجود ندارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۳/۸۹).

۴-۱-۴. حکم عقل بر نیکو بودن نقل فضائل

دلیل عقلی‌ای که برای این دیدگاه از سوی برخی صاحب‌نظران مطرح شده، «حُسن عقلی نقل فضائل و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام» است؛ چنان‌که شیخ انصاری ادعا کرده‌اند که براساس حکم عقل، نقل فضائل و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام به خبر ضعیف، پسندیده است و با وجود احتمال کذب، ضرری متوجه انسان نمی‌شود و چون در اینجا از مضرات کذب در امان هستیم، عقل می‌گوید که این عمل حَسَن است (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۵۸).

نقد و بررسی

به روشنی نمی‌توان ثابت کرد که نقل خبر ضعیف محتمل‌الکذب در بردارندهٔ حسن عقلی است؛ حتی کذب در گزارش‌های منتسب به دین، مفسد بیشتری از دیگر انواع کذب دارد. اگر کذب این‌گونه خبرها بر مردم آشکار شود، باعث بدبینی نسبت به گزاره‌های دینی و سلب اعتماد و ترویج بی‌دینی خواهد شد. به دیگر سخن، حکم عقل به حُسن یک عمل در فرضی است که آن عمل دارای مصلحت تامهٔ بدون مفسده باشد و یا عمل دارای مفسده با یک مصلحت اقوا و اهم در تزامم باشد؛ مانند حُسن کذب برای نجات مؤمن.

بنابراین ضمن اینکه در حسن عقلی نشر فضائل اهل بیت علیهم‌السلام شکی نیست. چراکه

نقل فضائل ایشان موجب محبت و پیروی بیشتر از اسوه‌های اخلاق و ترویج کمالات انسانی است و نیز ایشان واسطه فیض‌اند و نشر فضائلشان مصداق شکر منعم است. این حسن عقلی با اخبار صحیح حاصل می‌شود و انتساب قطعی فضائل محتمل‌الکذب به اهل بیت علیهم‌السلام حسن عقلی ندارد. همچنین عقل بر قبیح بودن نقل خبری که از طریق معتبر به دست نیامده، حکم می‌کند. در این باره در بخش ۳.۲.۴ مطالبی خواهد آمد.

۴-۱-۵. سیره اصحاب و شهرت

باورمندان به جایز بودن گستراندن قاعده تسامح به روایات در بردارنده فضائل و مناقب، به سیره اصحاب و شهرت نیز استناد کرده‌اند؛ به این معنا که نقل این‌گونه اخبار در روش اصحاب امامیه و عالمان متقدم شیعه مرسوم و مشهور بوده است.

نقد و بررسی

با بررسی شیوه اصحاب امامیه این مطلب قابل اثبات نیست؛ چراکه سیره اصحاب امامیه و عالمان متقدم شیعه چنین نبوده که با شنیدن خبری از هرکسی و یا دیدن در هر کتابی، آن را نقل کنند. آنان اگر راوی یا مؤلف کتابی را نمی‌شناختند، حدیث نقل نمی‌کردند؛ برای نمونه شیخ مفید در این باره معتقد است که هر حدیث منسوب به امامان علیهم‌السلام صحیح نیست؛ چراکه احادیثی به دروغ به آنان نسبت داده شده و فردی که معرفت کافی ندارد، درست و نادرست را تمییز نمی‌دهد (مفید، ۱۴۱۳: ۵ / ۱۴۷)؛ سید مرتضی علم‌الهدی نیز چنین می‌نویسد: «بدان که پذیرش محتوای همه روایات واجب و ضروری نیست؛ زیرا احادیثی که در کتاب‌های شیعه و کتاب‌های سایر مذاهب اسلامی نقل شده، متضمن انواع اشتباهات و امور باطل است؛ مانند چیزهای غیرممکنی که ناروا و تصورناشدنی بوده و امور باطلی که دلیل قطعی بر بطلان و فسادش هست، مثل تشبیه و جبر و قائل شدن به صفات قدیم...؛ از این رو نقد حدیث با عرضه آن بر عقل و یا دلیل صحیح نقلی، مانند قرآن لازم و ضروری است. پس، هرگاه از این عرضه سالم ماند بر ادله صحیحه مثل قرآن و مانند آن عرضه می‌شود» (علم‌الهدی، ۱۴۰۵: ۱ / ۴۰۹ - ۴۱۰).

از سوی دیگر، سیرهٔ اصحاب و شهرت میان عالمان یک دلیل لَبّی است و هنگام شک در گسترهٔ دلیل لَبّی، ملاک باید اخذ به قدر متیقّن آن باشد. حتی با وجود پذیرش مفاد «اخبار من بلغ» در معنای فقهی یا اصولی، باید دایرهٔ آن را به احکام غیرالزامی منحصر دانست. نمونهٔ بارز این سخن، صاحبان جوامع حدیثی هستند که حتّی در میان صاحبان جوامع حدیثی متأخر، صاحب وسائل با اینکه کتاب‌های حدیثی فراوانی در اختیار داشته، تنها از کتاب‌های اندکی که آن‌ها را معتبر می‌دانسته، حدیث نقل کرده است (حرّعاملی، ۱۴۰۹: ۳۰ / ۱۵۵-۱۶۹ و ۸۰ / ۱).

۴-۲. جایز نبودن تسری قاعدهٔ تسامح به روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام

دیدگاه برگزیدهٔ پژوهش حاضرین است که نمی‌توان با بهره‌گیری از قاعدهٔ تسامح در ادلهٔ سنن، وجهی برای نقل اخبار ضعیف در بردارندهٔ فضائل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام یافت. دلایل این دیدگاه در ادامه خواهد آمد:

۴-۲-۱. حصول بلوغ معتبر

در «اخبار من بلغ»، مراد از بلوغِ خبر دریافتِ خبر از طرق اطمینان بخش است. مازندرانی آورده است: «كان المراد أن من سمع رواية صادقة بحسب ظنه دالة على الثواب المترتب على فعل شيء أو تركه فصنع ذلك الشيء وأتى به طلباً لذلك الثواب كان له أجر ذلك الشيء وإن لم يكن المسموع على ما بلغه» (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۸ / ۲۶۰) در این باره صاحب مقباس الهدایه چنین می‌نویسد: «أنّ البلوغ فیها لیس هو البلوغ ولو بطریق لایطمأنّ به، بل المراد بها لا بلوغ العقلانی المطمئنّ له نحو البلوغ فی الإلزامیات و لیس المراد بما فیهِ فضیلة خصوص المندوبات، بل کلّ ما فیهِ فضل أعمّ منها والواجبات» (مامقانی، ۱۴۲۸: ۱ / ۱۶۱). حاصل سخن آنکه برای عمل به خبری لازم است که طریقهٔ دریافت آن عمل با موازین عقلایی سازگار باشد؛ بر این اساس، خردمندان به خبری که از راه معتبر به دست نیامده و نشانه‌ای براعتبار آن نیز وجود ندارد، وقعی نمی‌نهند. مرحوم حکیم نیز بر این باور است که اگر یادکرد فضائل، مناقب و قصص به نحو اخبار از آن‌ها

باشد، باید حتماً بر طرق معتبر مبتنی باشد؛ چراکه دلایل حجیت قاعده منصرف به مقام عمل است و این در حالی است که در این اخبار، عمل و ثوابی وجود ندارد (حکیم، ۱۳۹۲: ۴/۱۶۱).

۴-۲-۲. کذب مخبری

مشهور بر این باورند که ملاک در حُسن صدق و قبح کذب، مطابقت آن با واقع است و در مقابل، برخی آن را به مخبر وابسته می‌دانند.^۱ به این بیان که گزاره صادق گزاره‌ای است که مطابق باور گوینده از او صادر شود و کذب نیز گزاره‌ای است که مخبر آن را برخلاف عقایدش بیان کرده باشد (اصفهانی، ۱۴۲۹: ۴/۱۹۳؛ نوری، ۱۳۹۳: ۲۲۱). بر این اساس، چون گوینده اخبار ضعیف فضائل اهل بیت علیهم‌السلام به صحت این اخبار علم ندارد، نقل و نشر آن‌ها مصداق کذب مخبری است (اصفهانی، ۱۴۲۹: ۴/۱۹۳).

اما اگر ملاک، کذب خبری دانسته شود، از آنجاکه علمی به مطابقت نداشتن خبر ضعیف با واقع وجود ندارد، نمی‌توان نقل خبر ضعیف را از دیدگاه شرع حرام دانست (روحانی، ۱۴۱۳: ۴/۵۴۱). با این حال، اگرچه بر کذب خبری، حرمت شرعی وجود ندارد؛ ولی از نظر عقلی امری قبیح است؛ چراکه مکلف به عدم موافقت یقینی گزاره با واقع، علم اجمالی دارد (روحانی، ۱۴۱۳: ۴/۵۴۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۴). با این حال، به نظر می‌رسد که گزاره‌ای را می‌توان صادق دانست که هم با واقعیت خارجی سازگار باشد و هم گوینده به درستی آن باور داشته باشد و در مقابل، گزاره‌ای کذب است که یا گوینده به حقیقت آن باور نداشته باشد، یا مطابق با واقع نباشد. بر اساس هریک از دیدگاه‌ها درباره صدق و کذب گزاره‌ها و صادق بودن یا نبودن افراد، نقل اخبار ضعیف در بردارنده فضائل و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام روا نیست.

۱. برای دیدن توضیح این دیدگاه و دلایل آن بنگرید به: (تفتازانی، ۱۴۳۵: ۱/۲۹۳-۲۹۷).

۴-۲-۳. قول به غیرعلم

در آیات و روایات، «قول به غیرعلم» مورد نهی قرار گرفته است؛ برای نمونه در حدیثی معتبر از امام سجاد علیه‌السلام آمده است: «لَيْسَ لَكَ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِمَا شِئْتَ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾^۱، وَلِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا قَالَ خَيْرًا فَعَنِمَ أَوْ صَمَتَ فَسَلِمَ وَلَيْسَ لَكَ أَنْ تَسْمَعَ مَا شِئْتَ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾^۲» (عریضی، ۱۴۰۹: ۸۴۷).

براین اساس، نقل آنچه که درستی و نادرستی آن یا مطابقتش با واقع آشکار نیست، مصداق «قول به غیرعلم» است (اعرافی، ۱۴۲۹: ۲۳۰). بنابراین نقل فضائل، مواعظ و مصائب از طریق اخبار ضعیف به صورت جزمی و استناد به شارع بدون نقل قول و حکایت از منبع آن، از مصداق قول به غیرعلم است و جز به صورت حکایت و نقل از منبع آن، جایز نیست. از سوی دیگر، گزارش خبری که انسان دروغ بودن آن را بداند، در هر حال حرام است؛ چنان که شیخ طوسی در امالی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت کرده است: «مَنْ رَوَى عَنِّي حَدِيثًا، وَهُوَ يَرَى أَنَّهُ كَذِبٌ، فَهُوَ أَحَدُ الْكَاذِبِينَ»؛ هرکس از من خبری نقل کند و به دروغ بودن آن آگاه باشد، از دروغ‌گویان است (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۰۲). علامه مجلسی در شرح حدیث می‌نویسد: «بیان: یدل علی عدم جواز روایة الخبر الذی علم أنه كذبٌ وإن أسنده إلی روایة؛ این خبر دلالت دارد بر عدم جواز گزارش خبری که انسان بداند دروغ است؛ هرچند آن را به راوی خبر نسبت دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۸ / ۲).

براین اساس می‌توان گفت: پذیرش قاعده تسامح در ادله سنن و سهل‌انگاری در سند و بی‌توجهی به محتوا و گسستگی آن از دیگر گزاره‌های دینی، سبب ورود و گسترش امور جعلی و ساختگی در کتاب‌های روایی در ساحت معارف، تعلیمات و آداب دینی و اشاعه آن‌ها می‌شود و در نتیجه، زمینه بدعت و تحریف در دین فراهم می‌آید. از این رو،

۱. اسراء / ۳۶.

۲. اسراء / ۳۶.

تعمیم قاعده به تاریخ زندگی نبی اکرم ﷺ و ائمه اهل بیت، مناقب و فضائل، مصائب اهل بیت و دعا و نیایش سبب تحریف تاریخ و فرهنگ دینی می شود. نیم نگاهی به پدیده شوم وضع و جعل در عرصه روایات فضائل قرائت سور قرآن و فضائل ائمه اهل بیت موجب تردید در اجرای قاعده تسامح می شود. برخی از راویان مانند ابو عصمت نوح بن ابی مریم به گمان خدمت به اسلام، جلب رضای الهی و دعوت مردم به فضیلت قرائت قرآن یا فضائل اخلاقی به جعل حدیث دست می زدند (سیوطی، ۱۴۱۷: ۲ / ۳۰). اینان به گمان خود احادیثی را به نفع دین وضع کرده و در توجیه عمل خطرناک خود می گفتند که بر ضرر رسول خدا دروغ نبستیم تا مشمول «من کذب علیّ» باشیم؛ بلکه به نفع او دروغ ساختیم و این تأیید شریعت است (عسقلانی، ۱۳۷۹: ۱ / ۲۰۰).

همچنین در مبانی اعتقادی باید به یقین رسید و بهره گیری از اخبار ضعیف روا نیست (حکیم، ۱۳۹۲: ۴ / ۱۶۲). بر اساس نصوص مورد استفاده در قاعده تسامح نمی توان مطلق فضائل و قصص را داخل در قاعده تسامح دانست؛ چراکه عموم ادله و اخبار دال بر حرمت اخبار بدون علم، به قوت خود باقی هستند (همان، ۱۶۰). از سوی دیگر، پذیرش اخبار ضعیف اصطلاحی نزد دانشوران متقدم به معنای پذیرش صحت سند آنها نیست؛ بلکه قدما بر اساس پایه ریزی مواجهه با حدیث بر مبنای مسلک وثوق خبری و صدور، اخباری را که به صدور آنها از معصوم وثوقی وجود داشت، می پذیرفتند. در مسلک وثوق صدور یا وثوق خبری، ملاک و تمام الموضوع در حجیت و اعتبار خبر واحد، وثوق و اطمینانی است که از مجموعه قراین محتوایی، منبع و سند به صدور خبر حاصل می شود؛ البته نه از باب حجیت تعبّدی خبر واحد ظنی، بلکه از باب حجیت عقلانی اطمینان و علم عادی. در این روش، هریک از ویژگی های راویان (مانند وثاقت و ایمان) و روایت (مانند شهرت روایی و عملی یا اتقان متن و یا هم سویی با کتاب و سنت) می تواند امارات و قراینی برای پیدایش این وثوق و اطمینان به صدور قرار گیرد (سیستانی، ۱۴۱۴: ۲۴-۲۵).

نتیجه‌گیری

براساس آنچه آمد، دستاوردهای پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۱. برای اثبات جواز تسری قاعدهٔ تسامح به اخبار ضعیف در بردارندهٔ فضائل و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام به پنج دلیل ذیل استناد شده است: عموم آیهٔ تعاون، اطلاق «اخبار من بلغ»، عموم روایات فضائل گریاندن، حکم عقل بر نیکو بودن نقل فضائل و سیرهٔ اصحاب.

۲. دلایل نقلی اثبات جواز به علت عدم اثبات انتساب فضائل یا مصائب به اهل بیت علیهم‌السلام به نحوی اطمینان‌بخش، قابل استناد نیست. بهره‌گیری از شهرت عملی و سیرهٔ اصحاب نیز به علت وجود مخالفانی در میان فقیهان متقدم و متأخر روا نیست.

۳. براساس آنچه از ادلهٔ لفظی و حکم عقل به دست می‌آید، برای عمل به اخبار آحاد، شرط مقدماتی حصول از طریق معتبر لحاظ شده است. از سوی دیگر، «اخبار من بلغ» را نمی‌توان مخصّص این ادلهٔ دانست. براین اساس، نقل اخباری که از طرق غیرمعتبر به دست آمده، روا نیست.

۴. نقل اخباری که اطمینانی به استواری آن‌ها وجود ندارد، گونه‌ای از کذب است که مُخبر آن‌ها را با وجود علم اجمالی بر عدم صحت بازگو کرده است.

۵. بازگو کردن اخبار پیش‌گفته با هر هدف مستحسنی، مصداقی از مفهوم «قول به غیرعلم» است که به حکم عقل و ادلهٔ شرعی از آن نهی شده است.

با توجه به سه مورد اخیر، روا نبودن نقل اخبار ضعیف مربوط به فضائل و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام ثابت می‌شود؛ به گونه‌ای که حتی بر مبنای پذیرش قاعدهٔ تسامح در قامت یک قاعدهٔ فقهی نیز، گستراندن دامنهٔ این قاعده به اخبار پیش‌گفته قابل قبول نیست.

منابع و مآخذ

۱. قرآن مجید.
۲. آخوند خراسانی، محمد کاظم، *کفایه الأصول*، دار الفکر، قم، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *پاداش نیکی‌ها و کیفر گناهان؛ ترجمه ثواب الأعمال*، ترجمه محمد علی مجاهدی، انتشارات سرور، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، شریف الرضی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
۵. ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۸ م.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی، *جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع*، دار الرضی، قم، ۱۴۳۰ ق.
۷. ابن قولویه، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، دار المرتضویه، نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۵۶ ش.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۹. ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۱۰. اصفهانی نجفی، محمد تقی بن عبدالرحیم، *هدایة المسترشدين*، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۲۹ ق.
۱۱. اعرافی، مجتبی، «قاعدة التسامح فی أدلة السنن»، *فقه أهل البيت*، شماره ۴۹، ۱۴۲۹ ق.
۱۲. انصاری، مرتضی، *رسائل فقهیه*، المؤتمر العالمی بمناسبة الذكری المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصاری، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، *عوامل العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد)*، مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۴. بحرانی، یوسف، *الحدائق الناضرة إلى أحكام العترة الطاهرة*، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۳۶۳ ش.
۱۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
۱۶. بهبودی، محمد باقر، *صحيح الكافي*، دار الإسلامیة، بیروت، ۱۹۸۱ م.
۱۷. بهبهانی، محمد باقر، *الفوائد الحائریة*، مجمع الفكر الإسلامی، قم، ۱۴۱۵ ق.
۱۸. بهبهانی، محمد باقر، *مصابيح الظلام فی شرح مفاتيح الشرائع*، مؤسسه علامه مجدد وحید بهبهانی، قم، ۱۴۲۴ ق.
۱۹. بیضانی، قاسم، *مبانی نقد متن الحدیث*، مرکز عالمی للدراسات الإسلامیة، قم، ۱۳۸۵ ش.
۲۰. تفتازانی، سعدالدین، *الإصباح فی شرح تلخیص المفتاح*، دار الحجّة، قم، ۱۴۳۵ ق.
۲۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۳۷۶ ق.
۲۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۲۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۲۴. حکیم، سید محمد سعید، *المحکم فی أصول الفقه*، مؤسسة المنار، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۲ ش.
۲۵. خویی، ابوالقاسم، *مصباح الأصول*، مؤسسة إحياء آثار السيد الخوئي، قم، ۱۴۲۲ ق.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، دار القلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۲۷. رحمان ستایش، محمد کاظم و سید حیدر طباطبایی حکیم، «تسامح فضائل نگاران در روایات فضائل اهل بیت»، نشریه پژوهش نامه علوم حدیث تطبیقی، شماره ۱، ۱۳۹۳ ش.
۲۹. روحانی، سید محمد، منتقى الأصول، امیر، قم، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. زحیلی، محمد، القواعد الفقهية وتطبيقاتها فی المذاهب الأربعة، دار الفكر، دمشق، ۱۴۲۷ ق.
۳۱. سبحانی، جعفر، الرسائل الأربع: قواعد أصولية وفقهية (التسامح فی أدلة السنن)، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۴۱۵ ق.
۳۲. سیستانی، سید علی، الرافد فی علم الأصول، لیتوگرافی حمید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۳۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الآلی المصنوعة فی الأحادیث الموضوعه، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
۳۴. شهید اول، محمد بن مکی، ذکرى الشیعه فی أحكام الشریعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۳۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، رسائل الشهد الثانی، مطبعة مكتب الإعلام الإسلامی، مركز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامی، قم، ۱۳۸۰ ش.
۳۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الرعاية فی علم الدراییه، مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۳۷. صدر، محمد باقر، بحوث فی علم الأصول، مؤسسه دائرة المعارف اسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
۳۸. طباطبایی المجاهد، محمد بن علی، مفاتيح الأصول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۳۹۶ ق.
۳۹. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، دار الثقافة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۴۰. عراقی نجفی، عبدالنبی، التقريرات المسمی بالمحاكمات بین الأعلام، چاپخانه قم، قم، چاپ اول، بی تا.
۴۱. عریضی، علی بن جعفر علیه السلام، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۴۲. عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، دار المعرفة، بیروت، ۱۳۷۹ ق.
۴۳. علم الهدی، سید مرتضی، رسائل الشریف المرتضی، جوابات المسائل الطرابلسیات الثالثه، دار القرآن الکریم، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
۴۴. فاضل لنکرانی، محمد جواد، قاعده التسامح فی أدلة السنن، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم، ۱۳۹۶ ش.
۴۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، هجرت، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۴۶. فلسفی، علی، المستفاد فی الأصول، مقرر: محسن قدیری، دلیل ما، تهران، ۱۴۴۳ ق.
۴۷. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، مؤسسه دار الهجره، قم، ۱۴۱۴ ق.

۴۸. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، دارالکتاب، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۴۹. کلاتتوری، علی اکبر، «تسامح در ادله سنن، قاعده‌ای ناکارآمد»، *علوم اسلامی*، شماره ۱۷، ۱۳۸۹ش.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۵۱. مازندرانی، محمد صالح، *شرح الکافی*، المكتبة الإسلامية، تهران، ۱۳۸۲ق.
۵۲. مامقانی، عبدالله، *مقیاس الهدایة فی علم الدراییة*، دلیل ما، قم، ۱۴۲۸ق.
۵۳. متقی هندی، علی، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، الرسالة، بیروت، ۱۴۰۱ق.
۵۴. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۵۵. مجلسی، محمدباقر، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۵۶. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۳۰ق.
۵۷. مظاهری، حسین، *عوائد القواعد الفقہیة*، مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء علیها السلام، اصفهان، ۱۳۹۷ش.
۵۸. مفید، محمد بن محمد، *المقنعة*، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر، *أنوار الأصول*، تقریرات احمد قدسی، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ ۲، ۱۴۲۸ق.
۶۰. موسوی عاملی، محمد بن علی، *مدارک الأحکام فی شرح شرائع الإسلام*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مشهد، ۱۴۱۱ق.
۶۱. میرداماد، محمدباقر بن محمد، *الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیة*، دارالخلافة، قم، چاپ اول، ۱۳۱۱ق.
۶۲. نایینی، محمدحسین، *أجود التقريرات*، تحقیق: ابوالقاسم خویی، صیدا، مطبعة الفرقان، ۱۳۵۲ق.
۶۳. نراقی، احمد بن محمد مهدی، *عوائد الأيام*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۵ش.
۶۴. نوری، حسین، *لؤلؤ و مرجان*، بنی الزهراء، قم، چاپ سوم، ۱۳۹۳ش.
۶۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود، *بحثی پیرامون اخبار من بلغ (۲)*، *نشریه پژوهش‌های اصولی*، شماره ۹، ص ۶-۴۸، تابستان ۱۳۹۰.